

به نام خدا

آسیب شناسی نوع نگاه برنامه چهارم توسعه به مقوله دین و تبلیغات اسلامی

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	بیان مسئله
۶.....	فصل اول - الزامات برنامه ریزی توسعه ای
۲۳.....	فصل دوم - مهم ترین چالش های پیش روی برنامه چهارم
۳۴.....	پیشنهادهای
۳۶.....	منابع و مأخذ

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۹۰۵۴

تیر ماه ۱۳۸۷

دفتر: مطالعات فرهنگی



آسیب‌شناسی نوع نگاه برنامه چهارم توسعه به مقوله دین و تبلیغات اسلامی

مقدمه

سال ۱۳۲۷، سالی است که اولین برنامه هفت ساله کشور به تصویب رسید و با این اقدام روندی آغاز شد که هدف اصلی آن حرکت به سوی توسعه ایران بود. در آن هنگام ایران در جغرافیای منطقه، از معدود کشورهای دارای برنامه توسعه بود. روند برنامه‌نویسی و اجرای چند ساله آنها در دوران رژیم پهلوی ادامه یافت و چند برنامه توسعه دیگر نیز اجرا شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و احساس ضرورت برنامه‌ریزی در جهت توسعه و پیشرفت کشور، چهار برنامه توسعه تا به امروز طراحی شده است که سه برنامه اجرا شده و برنامه چهارم نیز در سال پایانی خود می‌باشد. در این مدت، زمان بسیار زیاد و حجم وسیعی از منابع مالی و انسانی کشور، صرف تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه شده است.

فلسفه وجودی برنامه‌های توسعه و مبنای توجیهی صرف منابع هنگفت مالی، انسانی و زمانی برای تهیه و اجرای آنها، از یکسو مبتنی بر پیش‌فرض ضرورت دخالت هدفمند در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت دستیابی به توسعه است و از سوی دیگر با توجه به وجود شکاف میان وضعیت موجود و



وضعیت مطلوب، امکان تحقق شرایط مطلوب را تنها با دخالت سامان‌مند از سوی یک دستگاه اجرایی مقتدر(دولت)، مقدور و میسر است.

علاوه بر مفروضات اساسی فوق، مبنای استدلالی دیگر این رهیافت نسبت به مقوله توسعه آن است که همواره می‌توان وضعیت موجود و آرمان مطلوب را کمی‌سازی کرد و به این ترتیب با تعیین ریاضی و کمی دو وضعیت موجود و دلخواه و تدوین برنامه‌ای معین جهت گذر از یکی به دیگری، سریع‌تر، درست‌تر و با هزینه‌ای کمتر به سر منزل مقصود رسید.

بنابراین در عرصه‌های مختلف نظام اجتماعی، شامل حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی، موقعیت‌ها و شرایط مطلوب و دلخواه در قالب سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله ترسیم می‌شود و از آن با عنوان برنامه بلندمدت یا اهداف دور یاد می‌شود، سندی که افق‌های توسعه کشور را ترسیم می‌کند. دستیابی به آن افق‌ها خود نیازمند برنامه‌های میان‌مدت است، که برنامه چهارم توسعه به عنوان برنامه توسعه پنج‌ساله، اولین برنامه از برنامه‌های توسعه پنج‌گانه است که مهم‌ترین هدف آنها فراهم ساختن امکان تحقق و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز توسعه است.

بیان مسئله

فرهنگ دینی و ارزش‌های اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران، هسته مرکزی افعال و اعمال افراد و سازمان‌ها را شکل می‌دهد و تجلی این ارزش‌ها در رفتار آحاد مردم آرمان



مطلوب نظام است. در همین راستا و جهت دستیابی به آرمان فوق دستگاه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی متعددی در کشور ایجاد شده‌اند که به اشاعه فرهنگ اسلامی در جامعه می‌پردازند. تعدد نهادهای فرهنگی، اما از یکسو باعث گردیده است تا شاهد موازی کاری و فعالیت‌های تکراری در حوزه امور دینی باشیم و از سوی دیگر علی‌رغم این تعدد همچنان بسیاری از امور فرهنگی بدون متولی باقی بماند.

در نتیجه چنین وضعیتی، در صورت وجود موفقیت در بخشی از امور فرهنگی، هر یک از نهادها داعیه سهم داشتن در آن را داشته و در صورت وجود نقصان و کاستی در بخش‌های دیگر، هیچ نهاد یا سازمان دولتی و غیردولتی مسئولیت آن را برعهده نمی‌گیرد. در هر حال با عنایت به موارد فوق و با در نظر داشتن این نکته که انقلاب اسلامی دارای صبغه فرهنگی بوده و نفوذ روزافزون آن در کشورهای همسایه و آشکار شدن برخی از ضعف‌ها و کاستی‌ها در مقابله با تهاجم فرهنگی که عمده هدف آن تضعیف ارزش‌های دینی - مذهبی افراد جامعه است، لزوم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه سازمان‌های دینی و مؤسسات عمومی غیردولتی به‌منظور افزایش کارایی، حذف فعالیت‌های موازی، برقراری انضباط مالی و جلب مشارکت مردم در امور فرهنگی و همچنین تدوین ضوابط برای انجام فعالیت‌های فرهنگی طبق موازین و معیارهای دینی ضروری بود تا دست اندرکاران تدوین برنامه چهارم توسعه کشور، این امور را مدنظر قرار دهند. اکنون پس از گذشت چهار سال از ابلاغ برنامه مذکور با نگاهی انتقادی این پرسش طرح می‌شود که مهم‌ترین آسیب‌ها و چالش‌های نوع نگاه برنامه چهارم توسعه به مقوله دین و تبلیغات اسلامی چیست؟ چگونه می‌توان با شناسایی این چالش‌ها، از تکرار آنها در برنامه پنجم توسعه جلوگیری کرد؟



ضرورت و اهمیت

انقلاب اسلامی ایران به‌زعم بسیاری از متفکران، یک انقلاب فرهنگی بوده است که دین و ارزش‌های دینی نقش بارزی در به ثمر رسیدن آن داشته است. از همین روی طبیعی است که هدف عمده و غالب آن ترویج و توسعه فرهنگ دینی در جامعه باشد. آنچه در این میان حائز اهمیت است تجلی دین و ارزش‌های آن در رفتارها و کردارهای آحاد جامعه است. چراکه از آنجایی که نظام حاکم بر جامعه ایران، حکومتی منبعث از احکام و قوانین اسلامی است، رفتار مردمی که تحت لوای آن زندگی می‌کنند به‌عنوان نماد و سمبل رفتار نظام اسلامی تجلی پیدا می‌کند و آثار مثبت و منفی گسترده‌ای را می‌تواند در ذهنیت نسل‌های بعد و همچنین مردم سایر کشورها نسبت به مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی بر جا گذارد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای تحقق این امر، فعالیت‌های گسترده‌ای انجام گرفت نهادهای دولتی و غیردولتی متعددی تشکیل شد و بودجه‌های کلانی نیز هزینه شد. عملکرد این نهادها سبب شد تا متولیان امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور خود را ناچار از توجه به بخش فرهنگ در قالب برنامه‌های توسعه ببینند. از همین روی علی‌رغم آنکه در برنامه‌های اول و دوم و نیز تا حدودی برنامه سوم توسعه، رویکرد و جهت‌گیری برنامه‌ها اقتصادی و فنی بود و توجهی به بخش فرهنگ نشده بود، اما برنامه چهارم کوشید تا کاستی‌های برنامه‌های قبل را جبران کند، عملکرد سازمان‌ها و نهادهای متولی امر فرهنگ به‌گونه‌ای بود که به مخالفان نظام جمهوری اسلامی فرصت داد تا برنامه‌های خود را معطوف به حوزه فرهنگ سازند. ناکامی اقدامات و استراتژی‌های آنان در عرصه‌های نظامی (جنگ هشت‌ساله)، اقتصادی (تحریم‌ها) و



سیاسی (ترور و ناآرامی) برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، آنان را واداشت تا به صورت هماهنگ از طریق ابزارهای مختلف چون رسانه‌های جمعی (ماهواره، اینترنت و...) به ترویج الگوهای غیربومی با هدف تحت تأثیر قرار دادن مردم ایران به خصوص جوانان بپردازند و تهاجم خود را در عرصه فرهنگ دنبال کنند.

در کنار این عوامل از جمله عواملی که موجب تضعیف فرهنگ خودی می‌شود، ضعف نهادهای فرهنگی کشور در برابر نهادهای فرهنگی بیگانه و ضعف ترویج و توسعه فرهنگ خودی ناشی از عوامل مختلفی چون عدم شفافیت و ظایف، تداخل وظایف، فعالیت‌های موازی و غیره بوده است.

هدف برنامه چهارم آن بوده است که با رفع کاستی‌ها و ضعف‌های حوزه فرهنگی، ساختار مناسبی را برای اداره امور فرهنگی کشور به منظور استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود و افزایش بهره‌وری برای دستیابی به اهداف نظام مندرج در سند چشم‌انداز فراهم آورد. از همین‌روی بررسی موفقیت یا عدم موفقیت این برنامه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اهداف

هدف کلی این پژوهش روشن ساختن ضعف‌ها و چالش‌های مهم موجود در برنامه چهارم توسعه و تهدیداتی است که از این راه متوجه بخش فرهنگ و به خصوص حوزه دین و تبلیغات می‌شود.



تعاریف

نهادهای دینی و تبلیغات اسلامی: شامل دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات وابسته به آنهاست که به موجب قانون یا به حکم مقام معظم رهبری تشکیل و از بودجه عمومی کشور به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم استفاده می‌کنند و بخش یا تمام وظایف آنها در حوزه تبلیغات اسلامی است.

آسیب‌ها و کاستی‌ها: به معنای وجود مواردی مانند ناکارآمدی، تعارض‌های دستگاهی، عدم جامعیت، عدم کفایت، تمرکز امور، موازی‌کاری‌ها، ضعف فناوری‌ها و کاستی و ضعف در روش انجام کارها و... است.

برنامه توسعه: مقصود برنامه‌های میان‌مدت پنج‌ساله‌ای است که با تصویب مراجع ذی‌صلاح به‌عنوان نقشه راه میان‌مدت در کشور مبنای عمل قرار می‌گیرد.

فصل اول - الزامات برنامه‌ریزی توسعه‌ای

هر نوع برنامه‌ریزی فرهنگی، بخشی از فرایند کلان‌تر سیاست فرهنگی و سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ است. سیاست فرهنگی، بازنمودی است از آرمان‌ها و ارزش‌هایی که یک دولت خود را موظف به پاسداری و حفاظت از آنها می‌داند. از این‌روی سیاست‌گذاری فرهنگی به معنای برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ است که مبنای اصلی آن آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه است. ارزش‌هایی که برنامه‌ریزی در سطوح میان‌مدت و کوتاه‌مدت را هدایت می‌کند. بنابراین برنامه‌ریزی فرهنگی اقدامی است آگاهانه و تعمدی از جانب دستگاه دولت جهت هدایت، اصلاح، حفظ، تغییر، سامان‌دهی و توسعه فرهنگ



جامعه به‌گونه‌ای که تجلی بخش آرمان‌های اصلی نظام در جامعه باشد.

برنامه‌ریزی فرهنگی و سیاست‌گذاری در این حوزه ارتباط تنگاتنگی با مسئله مشروعیت نظام دارد. در واقع با استفاده از روش اجتماعی کردن نسل‌ها و از طریق درونی ساختن ارزش و هنجارهای مطلوب نظام در نسل‌های بعد، علاوه بر اینکه ثبات و بقای نظام اجتماعی تأمین می‌شود، مشروعیت نظام در میان نسل‌های بعد نیز تضمین می‌شود.

هر چند به‌نظر می‌رسد پیش فرض بنیادی هر نوع برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ، جدا انگاشتن زندگی اجتماعی از نظام و حاکمیت و در نتیجه ضرورت هدایت و اصلاح جامعه است. به‌عبارت دیگر زمانی که تشکیل نظامی مبتنی بر خواست‌ها و آرزوهای مردم باشد و تحقق آن نظام جهت برآورده ساختن و تجلی بخشیدن ارزش‌های مردم صورت گیرد، چنین شکافی وجود نخواهد داشت و در چنان شرایطی اصولاً ضرورتی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری باقی نخواهد ماند (برای مثال می‌توان نظام جمهوری اسلامی ایران از انقلاب ۱۳۵۷ تا آغاز دهه ۱۳۷۰ را دارای چنین خصلتی دانست).

مکانیسم‌های اجتماعی شدن از طریق نهادهای غیردولتی همچون نهاد خانواده و گروه‌های همسالان و ... اقدام به بازتولید و حفظ ارزش‌های جمعی خواهد کرد و دستگاه‌ها و نهادهای دولتی نیز نقش تقویت‌کننده و تسهیل‌کننده را پیدا می‌کنند.

اما با ایجاد گسست میان حاکمیت و جامعه (به هر دلیلی از جمله انجام اصلاحات اقتصادی و توسعه‌ای یا اقدامات دول بیگانه همچون تهاجم فرهنگی)، بقای نظام منوط به باز تولید ارزش‌هایی است که عامل اصلی ایجاد آن نظام بوده است. از همین روی دستگاه حکومتی اقدام به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف از جمله



فرهنگ می‌کند تا موجودیت و مشروعیت خویش را تضمین کند.

از آنجایی که همواره میزانی از شکاف میان مردم و حاکمیت در همه دنیا یافت می‌شود (و البته این شکاف نسبت به نوع حکومت کاهش یا افزایش می‌یابد) همه دولت‌ها ناچار از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ بوده و در این مورد استثنایی وجود ندارد. هر چند نوع سیاست‌گذاری متناسب با نظام سیاسی صورت می‌گیرد.

به هر حال هر کوششی در زمینه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی به ناچار باید همراه با رعایت الزاماتی باشد از جمله:

تعریف محدود و مشخص از فرهنگ

اگرچه برنامه‌ریزی فرهنگی از یک‌سو ارتباط تنگاتنگی با ارزش‌های اجتماعی و اجتماعی کردن افراد جامعه دارد، اما از سوی دیگر مقید و محدود به تلقی برنامه‌ریزان از مفهوم فرهنگ است. در میان عدم اجماع صاحب‌نظران فرهنگی درباره مفهوم فرهنگ دو رویکرد اصلی نسبت به تعریف فرهنگ وجود دارد: رویکرد تنگ‌نظرانه و رویکرد گشاده‌دستانه.

اتخاذ هر کدام از این رویکردها، الزامات برنامه‌ای خاصی را به همراه خواهد داشت. در رویکرد باز و گسترده فرهنگ به معنای شیوه زیست افراد اجتماع تعریف می‌شود. با پذیرش این تعریف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی شامل تمام حوزه‌های زیست افراد جامعه شده و دامنه‌ای بسیار وسیع و گسترده می‌یابد.

اما در رویکرد تنگ‌نظرانه ممکن است مقصود از فرهنگ سازمان‌ها و نهادهای تولیدکننده معنا و محصولات آنها باشد. در این صورت حوزه برنامه‌ریزی معطوف و محدود به کالاهای فرهنگی خواهد شد.



هر گونه ابهام در تعریف محدود و مشخص فرهنگ، منجر به آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های عمده در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی می‌شود و پیامد این آشفتگی در حوزه برنامه‌ریزی نابسامانی فرهنگی جامعه خواهد بود.

تعیین اهداف برنامه‌ریزی فرهنگی

دومین ضرورت برنامه‌ریزی فرهنگی، تعیین جهت‌گیری برنامه‌ریزی فرهنگی است. در این باره نیز با رویکرد دوگانه‌ای مواجه هستیم:

گروهی هوادار برنامه‌ریزی فرهنگی معطوف به محتوای فرهنگی هستند و معتقدند مقصد و مقصود اصلی برنامه‌ریزی فرهنگی شکل‌دهی و صورت‌بندی دلخواه محتوای فرهنگ است و از این طریق ارزش‌ها و هنجارهای مثبت، مطلوب و آرمانی تقویت و ارزش‌های منفی از صحنه نظام فرهنگی خارج می‌شود.

اما گروهی دیگر مخالف دخالت نظامند و هدفمند دولت جهت تغییر و اصلاح محتوای فرهنگ بوده و اعتقاد دارند که نیت اصلی از برنامه‌ریزی فرهنگی، توسعه کالاهای فرهنگی و ارتقای تولید و افزایش مصرف کالاهای فرهنگی است.

اتخاذ هر یک از این رویکردها نیز الزامات خاصی را به برنامه‌ریزی تحمیل خواهد کرد و سمت و سوی آن را تغییر خواهد داد.

تعیین معیارهای گزینش روش‌ها و سیاست‌ها

گزینش از میان شیوه‌ها و روش‌های عمل متعدد و متفاوت، مبتنی بر معیارها و مبانی است که تعیین‌کننده ملاک‌ها و شاخص‌های گزینش شیوه مناسب است. دو دسته معیار اصلی جهت انتخاب روش مناسب وجود دارد:

- اصالت مخاطب و ضرورت انطباق سیاست‌ها با خواست‌های مخاطبان،



- اصالت آرمان‌های نظام و ضرورت اجتماعی کردن افراد.

اگرچه ممکن است این دو دسته معیارها در مرحله‌ای از تاریخ یک جامعه برهم منطبق بوده و خواست‌ها و نیازهای مخاطبان با ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه هم‌پوشانی داشته باشد، اما ممکن است در مرحله‌ای از تاریخ، میان آنها شکاف و گسست پیدا شود. در چنین وضعیتی این معیارها به روش‌ها و شیوه‌های عمل کاملاً متفاوتی منتهی خواهد شد و پیامدهای متفاوت و گاه متعارضی خواهد داشت.

ضرورت توجه به پویایی و ایستایی فرهنگ

فرهنگ به همان میزانی که ایستا بوده و درای ثبات است، دچار تغییر و تحول نیز می‌شود. در معادله برنامه‌ریزی فرهنگی، این متغیر بسیار مهم است و اراده سیاسی نمی‌تواند تنها به تحقق آرمان‌ها از طریق مداخله بیندیشد. آنچه حدود عمل برنامه‌ریز فرهنگی و امکان تحقق اهداف را تعیین می‌کند واقعیت عینی فرهنگ است. فرهنگ امری واقعی است که برای آن ویژگی‌هایی چون دیرپایی، ثبات نسبی و تاریخی بودن ذکر می‌شود. چنین پدیده‌ای در برابر اراده سیاسی، نقش پذیرنده صرف را ایفا نمی‌کند. خصیصه‌هایی که برای فرهنگ ذکر می‌کنند ناظر به مقاومت فرهنگ در برابر نیروهای تغییردهنده است.

وجود مقاومت و ثبات در فرهنگ، امکانات عمل برنامه‌ریز فرهنگی را محدود می‌کند. در کنار آن باید به عواملی که عمل را محدود می‌کند، اشاره کنیم. از یک‌سو، توان اقتصادی دولت در این امر مهم است و از سوی دیگر ساخت اجتماعی نیز از عوامل مهم در تعیین محدوده عمل دولت است. به همه اینها باید تحولات بخش فرهنگ را افزود که به سوی تفکیک و تخصصی‌شدن بیشتر پیش می‌رود.^۱

۱. مسجد جامعی، ۱۳۷۹، ص ۲۸.



سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران

همان‌طور که گفته شد سیاست‌گذاری، دخالت هدفمند دولت جهت اصلاح فرهنگ در راستای اهداف دلخواه خویش است. همچنان‌که تعاریف و کاربردهای مفهوم فرهنگ یک طیف را شامل می‌شود و دارای سطوح کلان، میانی و خرد است، متناسب با هر تعریفی از فرهنگ، مجموعه‌ای از سیاست‌ها را نیز می‌توان طراحی کرد. بنابراین سیاست‌ها و سیاست‌گذاری فرهنگی نیز در سه سطح کلان، میانی و خرد از یکدیگر متمایز می‌شوند.

کلی‌ترین و جامع‌ترین سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های است که با هدف توسعه عمومی جامعه طراحی و تدوین می‌شود و مبتنی بر اصول و عناصر لاینفک نظام دینی، تاریخ و هویت ملی یک ملت محسوب می‌شود. این سیاست‌ها مستقیماً از اعتقادات، ارزش‌ها و آرمان‌های ایدئولوژیک حاکم بر یک جامعه الهام می‌گیرند و معمولاً فرادولتی، همیشگی و همه‌جانبه است. قانون اساسی هر کشوری به تعبیری همان بیانیه سیاست فرهنگی آن کشور است. در جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی در واقع سند سیاست‌های فرهنگی بنیادی نظام است. این سند در کلی‌ترین سطوح مسیر حرکت جامعه را در کلیه شئون فردی و اجتماعی مشخص می‌کند.

دومین سطح سیاست‌های فرهنگی، سطح میانی است. شورای عالی انقلاب فرهنگی - در ابتدا ستاد انقلاب فرهنگی - یکی از نهادهای اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی در این سطح است که وظیفه تدوین اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی و تعیین اهداف و جهت برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و علمی را برعهده دارد.

علاوه بر شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی که یکی از



زیرمجموعه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی است - نیز به کار سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح میانی می‌پردازد. شورای عالی انقلاب فرهنگی در گزارشی با عنوان «اصول سیاست فرهنگی، اهداف، مبانی، اصول، منبهاات و خط مشی»^۱ مجموعه سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران را در این سطح مشخص کرده است. این مجموعه از سیاست‌ها را در مجموع می‌توان نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت دانست که برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت فرهنگی را هدایت می‌کند. به تعبیر گزارش اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی، منظور از سیاست‌گذاری فرهنگی، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم‌الرعايه در حرکت فرهنگی جامعه است و منظور از سیاست فرهنگی اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه علائم و نشانه‌هایی است که مسیر حرکت را نشان می‌دهد.^۲

سطح سوم سیاست‌های فرهنگی، مجموعه سیاست‌های است که در برنامه‌ریزی میان‌مدت (برنامه‌های پنج‌ساله توسعه) اتخاذ می‌شود. در واقع، آنچه در این سطح رخ می‌دهد نه سیاست‌گذاری به معنای واقعی آن، بلکه نوعی گزینش از میان سیاست‌های مشخص شده در سطح اول و دوم سیاست‌گذاری و انطباق آنها با مسائل و مشکلات فرهنگی موجود یا احتمالی در یک دوره پنج‌ساله است.

سازمان‌های برنامه‌ریز و تهیه‌کنندگان برنامه‌های توسعه مسئول اصلی این کار هستند. این سازمان‌ها با انطباق سیاست‌های بلندمدت با مسائل و مشکلات پیش‌روی دستگاه‌های اجرایی، دستورالعمل‌های کلی و جدیدی را طراحی می‌کنند که مسیر

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی، اصول سیاست فرهنگی، مبانی، اصول، منبهاات و خط مشی، ۱۳۶۸.

۲. همانجا، ص ۱۱.



حرکت دستگاه‌های فرهنگی را مشخص می‌کند. این دستورالعمل‌ها برخلاف سطوح کلان و میانی، کاملاً عمل‌گرایانه و مبتنی بر واقعیات فرهنگی موجود و ارائه راهکارهای برای حل مسائل و مشکلات فرهنگی است.

در جمهوری اسلامی ایران سطح دیگری از سیاست‌گذاری نیز وجود دارد که مربوط به سیاست‌های اجرایی است. سیاست‌های که دستگاه‌های متولی امور فرهنگی در هر یک از حوزه‌های خاص فرهنگی و هنری اتخاذ می‌کنند. نهاد اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی در این سطح، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. ماده (۲۹) قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این وزارت را «مسئول تنظیم سیاست‌های کلی فرهنگی، هنری و سینمایی کشور و ارائه آنها به مجلس شورای اسلامی می‌داند»^۱.

با در نظر داشتن این تفکیک بین سیاست‌گذاری فرهنگی در سطح کلان، میانی و خرد، سال‌های بعد از انقلاب اسلامی را به لحاظ سیاست‌گذاری فرهنگی به دو دوره می‌توان تقسیم کرد:

- دوران فقدان سیاست‌گذاری مدون فرهنگی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۷،

- دوره سیاست‌گذاری مدون فرهنگی از سال ۱۳۶۸ تا زمان حاضر.

در دوره اول، سیاست فرهنگی مدونی وجود ندارد و فعالیت‌های فرهنگی عمدتاً براساس اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها، رهنمودها و فتاوی حضرت امام خمینی (ره) و اصول قانون جمهوری اسلامی ایران و تأکیدات مقطعی مدیران درجه اول نظام، مشروعیت می‌یابند.

۱. وزارت ارشاد، ص ۱۲.



تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات فرهنگی عمدتاً به عرضه کالاها و خدماتی می‌پردازند که به صورت خودانگیخته هم از نظر شکل و هم محتوای اثر هنری و فرهنگی با ارزش‌های عمومی جامعه یعنی ارزش‌های اسلامی، منطبق است. در این دوره، تأکید مستمری بر فرهنگ به منزله اساس و پایه تمام تغییرات اجتماعی «مبدأ و خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت» وجود دارد.

همان‌طور که اشاره شد این دوره به دلیل مقارنت با تأسیس نظام جمهوری اسلامی که برابر خواست بیش از ۹۸ درصدی مردم است، نهادهای نوپای فرهنگی جهت ارائه امکانات و خدمات و تسهیل فرایند اجتماعی شدن تشکیل شده‌اند. در این دوره میان ارزش‌های جمعی آحاد جامعه و آرمان‌های و وظایف نهادهای فرهنگی انطباق تقریباً کاملی وجود دارد. از همین روی ضرورت تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی چندان احساس نمی‌شود. با این حال مشکلات خاص بعد از انقلاب اسلامی و به‌ویژه جنگ تحمیلی و در عین حال لزوم مبارزه با جلوه‌های فرهنگی و هنری به جا مانده از رژیم قبل، نیز از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی نهادهای فرهنگی است.

دوره دوم هم‌زمان با آغاز دوران سازندگی و از سال ۱۳۶۸ و با برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز می‌شود و با تدوین اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱، توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، تکمیل می‌شود.

این دوران به نوعی آغاز شکاف و گسست میان بدنه نظام اجتماعی و حاکمیت در نتیجه اتخاذ سیاست‌های خاص اقتصادی است. نوسازی اقتصادی و اتخاذ رویکردهای توسعه‌ای به صورت بطئی باعث ترویج برخی ارزش‌ها مغایر با دوران



قبل از سال ۶۸ می‌شود.^۱ در نتیجه ضرورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت حفظ آرمان‌های نظام سیاسی نمایان می‌شود. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌توان اولین سندی دانست که در آن به‌طور منسجم بر اهمیت فرهنگ و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی تأکید شده است و در برنامه دوم و سوم توسعه نیز این جهت‌گیری ادامه یافته است.

مهم‌ترین اولویت برنامه‌های توسعه (اول، دوم و سوم) همان سیاست‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سند اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی است که عبارتند از:

- کودکان، نوجوانان، جوانان، اقشار و مناطق محروم،
- اولویت دادن به کشورها و مجامع اسلامی و ایرانیان در برنامه‌های فرهنگی،
- آموزش و تربیت نیروی انسانی و پرورش استعدادها و خلاقیت‌ها و نیز طرح‌های حمایتی،
- جلوگیری از کاهش شاخص نسبت ظرفیت‌های موجود (فرهنگی و هنری)،
- سازمان‌دهی و ترویج بازار محصولات فرهنگی و هنری،
- هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های مردمی در جهت تأمین نیازهای بخش فرهنگی،
- سازمان‌دهی و بهره‌برداری از امکانات فرهنگی دستگاه‌های دولتی غیرفرهنگی،
- توسعه نقش مردم در امور فرهنگی،
- سازمان‌دهی و هماهنگی تشکیلات، برنامه‌ها و فعالیت‌ها،
- زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده،



- اعتلای معرفت دینی و قرآنی و بهره‌گیری از اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای،

- گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل سامان‌دهی ساخت‌وساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی.^۱

این اولویت‌ها، همان‌طور که گفته شده ترسیم‌کننده خطوط راهنمایی حرکت فرهنگی کشور بوده و سیاست‌گذاری در سطح میانی است. از همین روی برنامه‌های توسعه باید با انطباق سیاست‌های بلندمدت فوق با مسائل و مشکلات پیش روی دستگاه‌های اجرایی، دستورالعمل‌های کلی و جدیدی را طراحی می‌کردند که مسیر حرکت دستگاه‌های فرهنگی را مشخص می‌کرد.

تأملی کوتاه بر الویت‌های سیاست‌های فرهنگی و هنری برنامه‌های اول و دوم توسعه نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی این دو برنامه در واقع تکرار همان سیاست‌های بلندمدتی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی به آن اشاره کرده است و هیچ نوع انطباقی میان سیاست‌های بلندمدت و مسائل و مشکلات کوتاه‌مدت پیش روی دستگاه‌های فرهنگی صورت نگرفته است. با این حال در برنامه سوم توسعه آن‌گونه که مستندات برنامه نشان می‌دهد، سیاست‌های فرابخشی بخش فرهنگ از سیاست‌های بخشی جدا شده است. علاوه بر این با تأکید بر این نکته که فرهنگ یک جامعه را تنها نمی‌توان با تغییرات در بخش‌های فرهنگی اصلاح نمود، بلکه باید فعالیت‌های تمام بخش‌ها در یک چارچوب فرهنگی قرار گیرد، یک گام به جلو بوده است. در همین



راستا ۲۰ سیاست فرهنگی تحت عنوان رهنمودهای کلی ذکر شده است که لازم‌الرعايه برای همه بخش‌هاست.^۱

با این حال در برنامه‌های توسعه و از جمله برنامه سوم به سختی می‌توان ارتباط معناداری بین اهداف کیفی و کمی یافت و معلوم نیست که چگونه مجموعه‌ای از اقدامات (اهداف کمی) به غایت‌های متعالی (اهداف کیفی) - یا برعکس - منجر می‌شوند و نقش سیاست‌ها در این میان چیست؟

اولویت‌های که در برنامه سوم و به‌صورت آشکار اتخاذ شده عمدتاً در جهت حمایت، تشویق و درنهایت هدایت بخش خصوصی فعال در فرهنگ و هنر بوده‌است. این اولویت‌ها عبارتند از:

- حمایت مالی از تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی و هنری،

- ترویج و مردمی ساختن فعالیت‌های فرهنگی و هنری،

- اهتمام به آموزش و پژوهش در بخش از طریق تشکیل کلاس‌های آزاد

آموزشی در رشته‌های مختلف فرهنگی و هنری،

- تأکید بر تزریق منابع مالی به بخش فرهنگ.^۲

شاید یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اتخاذ شده در طول دو برنامه تأکید بر توان مالی بخش فرهنگ بوده است. مصداق این تأکید را می‌توان در افزایش ۱۶۸ درصدی سهم اعتبار بخش فرهنگ نسبت به اعتبار امور (امور اجتماعی، امور دفاع ملی، امور عمومی و امور اقتصادی) در بودجه عمومی دولت در فاصله سال‌های ۱۳۶۶ تا

۱. پیوست ۲ لایحه برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، سازمان برنامه و بودجه، شهریور ۱۳۷۸.

۲. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹.



۱۳۷۶ دانست که از ۱/۹ درصد به ۵/۱ درصد بالغ شده است. علاوه‌بر افزایش سهم بخش فرهنگ در بودجه عمومی دولت، باید از تسهیلات مالی نام برد که به استناد تبصره‌های قوانین بودجه‌سنواتی هر ساله به بخش تزریق می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در برنامه اول و دوم، علی‌رغم توجه حداقلی به بخش فرهنگ، هیچ توجهی به بخش دین و تبلیغات اسلامی نشده است، اما در برنامه سوم به بخش دین به‌صورت حداقلی پرداخته شده است. بخشی‌نگری به دین مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم توسعه است. مهم‌ترین مواد برنامه سوم توسعه در حوزه دین و تبلیغات اسلامی عبارتند از مواد (۱۶۳)، (۱۵۹) و (۱۵۶) که به‌صورت مستقیم به بخش دین پرداخته است.

ماده (۱۵۶)

بر استفاده از «توانمندی‌های شوراهای اسلامی شهر و روستا در انجام امور دینی و فرهنگی» تأکید شده است.

ماده (۱۵۹)

بر «عتلای معرفت دینی و قرآنی و بهره‌گیری از اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تحکیم مبانی فکری ارزش‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ جهاد و شهادت در جامعه، به‌ویژه در جوانان و نوجوانان».

ماده (۱۶۳)

«گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل سامان‌دهی ساخت‌وساز، احیا،



تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی» تأکید دارد.

بنابراین همان‌طور که بیان شد علی‌رغم توجه برنامه سوم توسعه به مقوله دین، نارسایی، ابهام و بالاتر از همه اینها جزئی‌نگری و بخشی‌نگری نسبت به حوزه دین در این برنامه کاملاً مشهود است.

برنامه چهارم توسعه در روند رو به رشد توجه به دین در حوزه برنامه‌ریزی توسعه‌ای، در بخش چهارم قانون برنامه توسعه را با عنوان «صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی» به دین اختصاص داده است: مهم‌ترین سیاست‌های توصیه‌ای در بخش دین و تبلیغات اسلامی برنامه چهارم توسعه در مواد (۱۰۶)، (۱۰۷) و (۱۰۸) آمده است:

ماده (۱۰۶)

دولت مکلف است، به‌منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:

الف) بسط آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی، در میان اقشار مختلف مردم و زمینه‌سازی اقدام‌های لازم، برای ایجاد فضای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن،

ب) گسترش فعالیت‌های رسانه‌های ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی، سالم‌سازی فضای عمومی، اطلاع‌رسانی صحیح و تحقق سیاست‌های کلی برنامه چهارم، با فراهم آوردن زمینه‌های مناسب انتشار گزارش‌های عملکرد دستگاه‌ها و افزایش امکان دسترسی جامعه به آموزش‌های عمومی، فنی حرفه‌ای، ترویجی و



آموزش‌های عالی از طریق شبکه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران،
ج) حمایت از پژوهش‌های راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیت‌های قرآنی،

د) تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز،

ه) تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه با همکاری سازمان ایرانگردی و جهانگردی و میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم،

و) تداوم نهضت قرآن‌آموزی،

ز) تقویت سهم کتابخوانی در حوزه دین در کشور، خصوصاً مناطق محروم و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی،

ح) تهیه طرح جامع، با رویکرد گسترش فرهنگ وقف و امور خیریه،

ط) به‌کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی،

ی) حمایت از برنامه‌ریزی، نیازسنجی و ارائه آموزش‌های ضروری به مبلغین دینی در جهت بهبود کیفیت تبلیغات دینی،

ک) استمرار اجرای طرح ترویج فرهنگ ایثار و شهادت،

ل) سامان‌دهی تبلیغات رسانه‌ای، بهبود محتوای کتب درسی، استقرار محیط و ساختارهای حقوقی در جهت حفظ و ارتقای هویت اسلامی - ایرانی، تقویت نهاد خانواده براساس تعالیم میراث معنوی جامعه ایرانی،

م) تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی در کلیه سطوح اجتماعی برای آموزش، گسترش و تعمیق فرهنگ کار و نظم اجتماعی، شناخت ارزش



زمان و رعایت آن در انجام کلیه فعالیت‌ها،

(ن) تهیه طرح جامع مطالعه و اجرای همگرایی مذاهب، حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم، برای تقویت همگرایی بیشتر میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی در کشور،

(س) توسعه مشارکت‌های مردمی در عرصه فرهنگ دینی، برنامه‌ریزی و اقدام‌های لازم برای حمایت از هیئت‌های مذهبی و تشکل‌های دینی با رویکرد بهبود کیفیت فعالیت‌ها و پرهیز از خرافات و انحرافات،

(ع) حوزه‌های علمیه از تمامی تسهیلات و معافیت‌هایی که برای سایر مراکز آموزشی و پژوهشی تعیین گردیده یا می‌گردد برخوردار خواهند بود،

(ف) به‌منظور ارتقای پژوهش درخصوص بنیادهای نظری، دینی نظام و پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه در جمهوری اسلامی ایران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم موظف است در برنامه چهارم سامان‌دهی مناسب را با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های علمی حوزه دین پژوهشی را به انجام رساند.

ماده (۱۰۷)

ماده (۱۶۳) «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن» برای دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸) تنفیذ می‌گردد.

ماده (۱۰۸)

دولت موظف است به‌منظور زنده و نمایان نگهداشتن اندیشه دینی و سیاسی و سیره عملی حضرت امام خمینی (ره) و برجسته کردن نقش آن به‌عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و تسری آن در مجموعه ارکان نظام



اقدام‌های زیر را انجام دهد:

(الف) حمایت از انجام مطالعات بنیادی و کاربردی در عرضه فرهنگ‌سازی، پژوهشی، آموزشی و اطلاع‌رسانی با تکیه بر علوم، فناوری و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و حمایت از پایان‌نامه‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی با موضوعات مربوط به امام (ره) و انقلاب اسلامی،

(ب) حمایت از تولید و نشر آثار ارزنده علمی، هنری و ادبی مربوط به حضرت امام با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و تجهیز کتابخانه‌های عمومی کشور به آثار منتشر شده در این زمینه،

(ج) حمایت از تولید برنامه‌های متنوع و متناسب در جهت تبیین و بزرگداشت سیره و آرای حضرت امام (ره) و معرفی چهره جامع ایشان در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با همکاری مؤسسه مذکور در بند «ب»،

(د) شناسایی، بازسازی حفظ و نگهداری اماکن، میادین و خیابان‌هایی که مهم‌ترین وقایع انقلاب اسلامی را شاهد بوده و نیز بهره‌گیری از مراکز فرهنگی، هنری و فضاهای عمومی در جهت نشر و تبلیغ اندیشه و سیره عملی و بزرگداشت یاد امام (ره) توسط شهرداری‌ها،

(هـ) تهیه برنامه‌های مناسب برای ارتباط و همکاری اشخاص حقیقی و حقوقی تأثیرگذار خارج از کشور، در انجام امور مذکور در این ماده توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت امور خارجه با همکاری مؤسسه مذکور در بند «ب» صورت می‌گیرد،

(و) تهیه و اجرای برنامه‌های سازنده توسط سازمان ملی جوانان با همکاری



مؤسسه مذکور در بند «ب» به منظور آشنایی و ارتباط نسل جوان با اندیشه و زندگی امام (ره) و آرمان‌های انقلاب اسلامی، (ز) دستگاه‌های فرهنگی که به‌نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند و شهرداری‌ها و فرهنگسراها موظفند حداقل سه درصد (۳٪) از بودجه عملیات فرهنگی و تبلیغی خود را جهت اجرای وظایف مذکور در این ماده اختصاص دهند، (ح) آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

فصل دوم - مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی برنامه چهارم

برخی از کارشناسان حوزه فرهنگ، مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی برنامه چهارم در حوزه دین و تبلیغات اسلامی را در دو سطح قابل بررسی می‌دانند. یک سطح کلیت بخش چهارم و فصل مربوط به فرهنگ است، سطح دیگر موادی است که اختصاصاً به مقوله دین و تبلیغات اسلامی پرداخته است.

در سطح اول مهم‌ترین چالش‌ها عبارتند از:

- فقدان استراتژی فرهنگی،
- توصیه‌ای بودن و نداشتن الزام قانونی،
- کیفی بودن و عدم توجه به کمی‌سازی،
- بخشی‌نگری به حوزه فرهنگ،
- فقدان انسجام میان بخش‌های مختلف.



۱-۲. فقدان استراتژی فرهنگی

یکی از مهم‌ترین انتقادات صاحب‌نظران عرصه فرهنگ به سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه، فقدان استراتژی فرهنگی است. به این معنا که رویکرد دولت به این عرصه مشخص نیست. برای مثال در عرصه اقتصادی دولت استراتژی آزادسازی و خصوصی‌سازی را در پیش گرفته است و همین استراتژی همه فعالیت‌های دولت را سمت و سو داده و معنا می‌بخشد. در حالی‌که در عرصه فرهنگ این فقدان به چشم می‌خورد، از جمله علل اصلی آشفتگی و نابسامانی در بخش فرهنگ است.

متأسفانه در بسیاری موارد، در عین صرف هزینه‌های هنگفتی از سرمایه‌های مالی و انسانی، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی از استراتژی بلندمدت نشئت نمی‌گیرند، بلکه تنها بر برنامه‌ریزی‌های موقت و متغیر و ناپایدار متکی هستند که خود چالش مهمی بر سر راه توسعه فرهنگ دینی به‌شمار می‌آید.

۲-۲. توصیه‌ای بودن و نداشتن الزام قانونی

مواد قانون برنامه توسعه در حوزه فرهنگ، بیشتر از آنکه الزام‌آور باشد به توصیه‌های شاعرانه‌ای می‌مانند که اجرا یا عدم اجرای آن منوط به خواست و اراده دستگاه‌های اجرایی است که اغلب اوقات نیز این خواست و اراده وجود ندارد.

نداشتن ضمانت‌ها و الزامات اجرایی، علت اصلی بی‌توجهی دستگاه‌های مسئول به اجرای مواد قانونی است. این موضوع در ارتباط با حوزه دین و مواد (۱۰۶)، (۱۰۷) و (۱۰۸) قانون برنامه چهارم بیش از پیش به چشم می‌خورد.



۲-۳. کیفی بودن و عدم توجه به کمی‌سازی

اگرچه صاحب‌نظران حوزه فرهنگ بر این باورند که کیفی بودن اهداف در سند چشم‌انداز امری طبیعی و حتی ضروری است، اما تحقق این اهداف کیفی منوط به کمی‌سازی آنها در قالب برنامه‌های توسعه به عنوان برنامه میان‌مدت و بودجه سالیانه به‌عنوان برنامه کوتاه‌مدت است.

مواد مطرح در بخش فرهنگ و به‌خصوص دین و تبلیغات اسلامی قانون برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد که تلاش برای کمی‌سازی اهداف کلان و کیفی سند چشم‌انداز بسیار ناچیز بوده است و توجه به کمیت در این مواد فراموش شده است. بدیهی تدوین برنامه توسعه در قالب قانون و به‌صورت کیفی، در ذات خود پارادکس خواهد داشت. از یک‌سو هدف تدوین قانون برنامه اجرایی شدن آن است و از سوی دیگر مواد قانونی به‌گونه‌ای تدوین شده است که امکان اجرایی شدن ندارد.

۲-۴. بخشی‌نگری به حوزه فرهنگ

اگر «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است»، ضرورت دارد به توجه بخشی به فرهنگ کلیت برنامه‌های توسعه با توجه به مقوله فرهنگ تدوین شود. درحالی‌که آنچه در حال حاضر اتفاق افتاده است، حوزه فرهنگ نیز در کنار سایر حوزه به‌عنوان بخشی در نظر گرفته شده است که نیازمند توسعه است.

این امر در مورد دین و تبلیغات اسلامی نیز به چشم می‌خورد. علی‌رغم اسلامی بودن انقلاب و دینی بودن جامعه ایران، نسبت بخش‌های مختلف برنامه توسعه در حوزه‌های گوناگون با دین و تحقق جامعه دینی که از مهم‌ترین اهداف



سیاست‌گذاری فرهنگی است، مشخص نیست.

برنامه چهارم با تفکیک حوزه دین از سایر حوزه و بخشی‌نگر به آن عملاً امکان توسعه بخش دین را مدنظر قرار داده است، فارغ از اینکه توسعه جامعه تا چه حدی باعث تحقق جامعه دینی می‌شود.

به‌عبارت دیگر به جای اینکه دین و احکام دینی هادی و جهت‌بخش به سمت و سوی برنامه‌های توسعه باشد، دین تحت لوای قوانین توسعه‌ای معطوف به حوزه فیزیکی و مادی، توسعه می‌یابد. در نتیجه جای تعجب نخواهد داشت که با به ثمر نشستن برنامه‌های توسعه، نهادهای دینی همچون مساجد دارای بناهای بسیار زیبا و توسعه یافته باشند، اما جمعیت نمازگزار آن هر روز کمتر شود.

۲-۵. فقدان انسجام میان بخش‌های مختلف

میان قسمت‌های مختلف بخش چهارم برنامه چهارم توسعه انسجام مشخصی وجود ندارد. اگرچه هدف اعلام شده تدوین بخش چهارم صیانت از هویت اسلامی - ایرانی جامعه ایران بوده است. اما ارتباط روشنی میان بخش‌های متعدد در راستای تحقق این هدف وجود ندارد.

علاوه بر اینکه آیا اجرای مواد قانون برنامه چهارم موجب صیانت از هویت اسلامی - ایرانی می‌شود یا نه، قسمت‌های مختلف بخش چهارم به موضوعات متعدد و متنوعی پرداخته است که ارتباط آنها در صورت وجود، مبهم است. در واقع تدوین این بخش نیازمند ابتدا به نظریه‌ای است کلان در ارتباط با هویت ایرانی - اسلامی، که همه عناصر و اجزای این هویت را به روشنی توضیح داده باشد. فارغ از وجود یا فقدان این نظریه، آنچه



در مواد قانونی برنامه چهارم مشهود است تشنت و پراکندگی است.

با توجه به محتوای سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلان ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری در حوزه فرهنگ و فرهنگ دینی، هدف برنامه چهارم آن بود که زمینه‌های لازم برای تحقق آن اهداف، سیاست‌ها و چشم‌اندازها را فراهم سازد. مهم‌ترین ضعف‌ها و کاستی‌های قانون برنامه چهارم و محورهای اصلی آسیب‌های موجود در این برنامه در سطح موادی که اختصاصاً به مقوله دین و تبلیغات اسلامی پرداخته است در ذیل آورده می‌شود:

عدم توجه به محتوای دینی تولیدات فرهنگی

آنچه از مواد قانونی برنامه چهارم توسعه برمی‌آید این است که تعریف مورد قبول برنامه‌ریزان فرهنگی از فرهنگ، تعریفی تنگ‌نظرانه بوده است که معطوف به سازمان‌ها و نهادهای تولیدکننده محصولات فرهنگی است از همین روی نوع نگاه برنامه چهارم به بخش فرهنگ یک نگاه تقریباً کالا محور بوده و فرهنگ به‌عنوان نهادهای و سازمان‌های تولیدکننده محصولات فرهنگی در نظر گرفته شده است و مواردی در برنامه چهارم توسعه تثبیت و تنفیذ شده است که بیشتر نقش خدماتی دارد و اهتمام آن، نتایج اقتصادی به‌همراه دارد (ماده ۱۰۴) قانون برنامه به خوبی نشان‌دهنده این موضوع است).^۱

۱. ماده (۱۰۴): دولت مکلف است، به‌منظور رونق اقتصاد فرهنگ، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و خدمات، رقابت‌پذیری، خلق منابع جدید، توزیع عادلانه محصولات و خدمات فرهنگی و ایجاد بستر مناسب برای ورود به بازارهای جهانی فرهنگ و هنر و تأمین فضاهای کافی برای عرضه محصولات فرهنگی، اقدام‌های ذیل را به‌عمل آورد:

(الف) اصلاح قوانین و مقررات، برای رفع موانع انحصاری، تقویت رقابت‌پذیری و فراهم‌سازی زمینه‌های بسط مشارکت مردم، نهادهای غیردولتی، صنفی و حرفه‌ای در امور فرهنگی و هنری.



در صورت اتخاذ مفهوم تنگ‌نظرانه از فرهنگ و عطف توجه صرف به تولید و مصرف کالاهای فرهنگی (در برنامه چهارم) تنها نقش متصور برای دین، شکل دادن به محتوا و مضمون کالاهای فرهنگی است. در این صورت شرط تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی از سوی دولت باید داشتن مضمون و محتوای دینی باشد که در ماده (۱۰۴) قانون برنامه توسعه چهارم توجهی به این موضوع نشده است. اصالت در این برنامه با توسعه تولیدات فرهنگی فارغ از محتوای آنهاست. در این صورت می‌توان داشتن رویکرد سکولاریستی را به حوزه فرهنگ از جمله خصلت‌های ماده (۱۰۴) دانست.

هدف این مواد تأمین هویت اسلامی و حفظ و صیانت از آنهاست، اما امکان فهم و کشف رابطه این مواد و حفظ هویت اسلامی، اگر نه غیرممکن که بسیار دشوار است. در جامعه‌ای که دین شاکله اصلی آن را شکل می‌دهد، هر نوع توسعه‌ای بدون توجه به این شاکله و بدون درآمیختن و بهره‌گیری مناسب از ابزارها و امکان‌های موجود در آن، ابتر خواهد بود. فقدان استراتژی مشخص در حوزه فرهنگ، شفاف نبودن نسبت سایر بخش‌های توسعه‌ای همچون امور اقتصادی و زیربنایی با فرهنگ دینی ناشی از فقر نگاه مالی - مادی به مقوله توسعه است، علاوه‌بر این حاکمیت نگرش فنی - کارشناسی بر سازمان‌های مسئول طراحی برنامه‌های توسعه، سبب‌ساز آن بوده است که صرفاً بعد کمی و اقتصادی توسعه مدنظر قرار گیرد و این نگرش به

(ب) اقدام قانونی لازم برای تأسیس صندوق‌های غیردولتی ضمانت، به‌منظور حمایت از تولید، توزیع و صادرات کالاها و خدمات فرهنگی و هنری، سینمایی، مطبوعاتی و ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی.
(ج) احصا و ارتقای سهم بخش فرهنگ، براساس شاخص‌های مورد نظر در اقتصاد ملی و منظور نمودن رشد متناسب سالانه در لویح بودجه برای دستیابی به استانداردهای ملی که در سال اول برنامه چهارم به تصویب دولت می‌رسد و ...



حوزه فرهنگ و دین نیز سرایت یابد.

از همین روی به جای آنکه برنامه توسعه با رویکرد دینی نوشته شود، بخش دین و تبلیغات با رویکرد توسعه‌ای به رشته تحریر می‌آید. در واقع برنامه تن به نوعی سکولاریسم پنهان می‌دهد به این معنا که دین نیز نهادی است در کنار نهادهای دیگر، برای نهادهای دیگر جهت رشد برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد و برای نهاد دین نیز این عمل به وقوع می‌پیوندد. در نتیجه به دلیل مبانی توجیهی برنامه‌های توسعه که عمدتاً تأثیر نگرش پراگماتیستی و عمل‌گرایانه به مقوله توسعه و با عطف توجه به کشورهای توسعه یافته فراهم شده است، تحقق برنامه‌های توسعه به جای محقق ساختن جامعه دینی، منجر به جامعه توسعه‌یافته‌ای خواهد شد که همچون همتایان غربی خود، نهادهای دینی نیز در آن توسعه یافته‌اند و این توسعه صرفاً جنبه کمی - فنی دارد.

عدم انسجام

انجام اقدامات لازم برای بسط و گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر، گسترش فعالیت‌های رسانه‌ای برای مقابله با تهاجم فرهنگی، حمایت از پژوهش‌های راهبردی و بنیادی در جهت اعتلای معرفت دینی، تهیه چندین طرح جامع شامل (توسعه فرهنگ نماز، گسترش فضاهای مذهبی و مساجد، گسترش فرهنگ وقف و امور خیریه، همگرایی مذاهب)، تداوم نهضت قرآن‌آموزی، تقویت سهم کتابخوانی در حوزه دین در کشور، به‌کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی، توسعه مشارکت‌های مردمی در عرصه فرهنگ دینی و حمایت حوزه‌های علمیه و ...

نگاهی موشکافانه به این توصیه‌ها نشان می‌دهد که اجزای مجزا از هم و گاه‌آبی ربط به یکدیگرند که در صورت اجرا و تحقق، معلوم نیست نتیجه اجرای آن، تحقق



چه چیزی است. این امر ناشی از فقدان استراتژی مشخص نیز است.

آنچه از این مواد استنباط می‌شود این است که هدف این مواد تنها می‌تواند توسعه بخش دین و تبلیغات باشد. همان‌طور که تمامی بخش‌های جامعه توسعه می‌یابند بخش دینی نیز توسعه پیدا می‌کند، فارغ از اینکه تا چه حد این توسعه دینی باشد، یا نباشد. در واقع اصالت با توسعه است و حوزه دین نیز مبتنی بر رویکردهای توسعه‌ای^۱ توسعه می‌یابد.

بسان فرایند سرودن شعر به‌طور جداگانه بر اهمیت عناصر و اجزایی چون وزن، قافیه، ردیف، دستور زبان خزانه لغات، استعاره، تصویرپردازی و... تأکید کنند، اما نتوانند لحظه سرشاری یا لحظه سرودن را در چارچوب کلیت بخش «طبع و روح شاعرانه» توضیح دهند. بدیهی است که جمع شدن خشک و بی‌روح هر یک از این عناصر بدون در نظر گرفتن «قوت شاعره» هرگز نمی‌تواند شعر «تر» به همراه آورد. آنچه معنی بخش چنین عناصر بی‌جان و متفرقی است. دمیدن روح شاعرانه در کالبد این بازی کلمات است. در توسعه نیز توجه به عناصر و اجزایی چون شاخص‌های اقتصادی رشد، ابعاد اجتماعی، وجوه سیاسی و جنبه‌های فرهنگی و تلاش برای کنار هم چیدن آنها (که صورتی مصنوعی به خود می‌گیرد) نمی‌تواند راه به دهی ببرد. آنچه بیش از همه اینها مورد نیاز است روح توسعه است که می‌تواند به این اجزای پراکنده شکل، کلیت، هارمونی، ترکیب و چشم‌انداز ببخشد.^۲

۱. درباره مبانی برنامه چهارم توسعه اظهارنظرهای متفاوتی صورت گرفته است، در حالی‌که تدوین‌کنندگان برنامه، برنامه چهارم را در راستای اهداف انقلاب اسلامی می‌دانند، مخالفان تأکید دارند که این برنامه دارای مبانی لیبرالیستی است.

۲. علیرضا مرادی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۷.



تکرار مواد برنامه سوم بدون توجه به علل عدم اجرایی شدن

در برنامه چهارم توسعه به جای بررسی علل و عوامل عدم اجرایی شدن مواد (۱۵۹)^۱ قانون برنامه سوم توسعه، که بیشتر مربوط به فرهنگ و توسعه دینی می‌شود ناشی از عدم انسجام، پیش‌بینی نکردن حمایت‌های اجرایی، ضعف مدیریت اجرایی در دستگاه‌ها، عدم اعتقاد بخش‌های کارشناسی در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به تمام یا قسمتی از این ماده می‌شود، بخش‌های عمده آن در قالب مواد (۱۰۶) و (۱۰۸) عیناً تکرار شده است.

ماده (۱۰۷)،^۲ تنفیذ ماده (۱۶۳) قانون برنامه سوم^۳ است که حاوی موادی ارزشمند و قابل اجراست، ولی بنابه دلایلی متعددی از جمله عدم پیش‌بینی اعتبارات لازم، پیش‌بینی نکردن حمایت‌های اجرایی، ضعف مدیریت اجرایی در دستگاه‌ها و... زمینه اجرای آن در برنامه سوم فراهم نگردید و با همان مشکلات و شرایط در برنامه چهارم عیناً تنفیذ شده است.

در این میان به خصوص می‌توان به بندهای «الف» تا «و» ماده (۱۶۳) برنامه سوم اشاره کرد چون در این باره به خوبی زمینه برای عمران مادی و معنوی مساجد پیش‌بینی نشده است و جایگاه و متولی خاصی را برای پیگیری تعیین نگردیده، امکان اجرای آن فراهم نشده است با این حال برنامه چهارم همین بند را بدون کمترین تغییر

۱. اعتلای معرفت دینی و قرآنی و بهره‌گیری از اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تحکیم مبانی فکری ارزش‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ جهاد و شهادت در جامعه، به‌ویژه در جوانان و نوجوانان.

۲. گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل سامان‌دهی ساخت‌وساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی.



تنفیذ کرده است و نتیجه عملی این تنفیذ پیشاپیش روشن است. نمونه دیگر اینکه بند «ز» ماده (۱۶۳) بر شفاف‌سازی فعالیت نهادهای دینی و نحوه تخصیص و مصرف منابع دولتی در این فعالیت‌ها تأکید دارد، ولی متأسفانه علی‌رغم تهیه طرح آن در سال ۱۳۸۰ هنوز تکلیف آن روشن نشده و در برنامه چهارم هم هیچ اشاره‌ای به این موضوع مهم نشده است.

به این ترتیب بدون رفع موانع اجرایی ماده (۱۶۳) قانون برنامه سوم، برنامه چهارم توسعه صرفاً اقدام به تکرار این ماده در قانون برنامه چهارم کرده است بدون آنکه روشن باشد چه ضمانتی برای اجرای آن در برنامه چهارم وجود دارد.

نامشخص بودن فواید و نتایج اجرای مواد قانونی

به جز بندهای «و» و «ع» سایر بندهای ماده (۱۰۶) حاوی پیشنهادهای اساسی و بنیادی مرتبط با حوزه دین می‌باشد و دستگاه‌های مختلف با صرف میلیون‌ها تومان عهده‌دار مطالعه و ارائه طرح و برنامه‌های اجرای آن هستند، که اجرای آنها نتایج کمی مشخص نداشته و فواید آن نامشخص است. در واقع همان‌طور که گفته شد هدف از اجرای این بندها روشن نیست.

فقدان خلاقیت و نوآوری

در برنامه چهارم برای توسعه فرهنگ دینی موادی آورده شده است که به مراتب ضعیف‌تر و غیراجرایی‌تر از مواد مطرح در برنامه سوم است که می‌توان به‌عنوان نمونه به ماده (۱۰۸) در ترویج اندیشه‌های حضرت امام (ره) و بخش‌های عمده ماده



(۱۰۶) اشاره کرد چون در این مواد بندهایی آورده شده که در مواد (۱۵۶)^۱ و (۱۵۹)^۲ برنامه سوم آورده شده و حتی در سطح بالاتری مطرح شده است. مواد قانون برنامه چهارم فاقد هرگونه نوآوری و خلاقیت بوده و در نتیجه آنچه تحقق یافته است تکرار مکررات است که پیامد آن به جای تحقق حفاظت از هویت اسلامی اتلاف وقت و گرفتار کردن سرنوشت نهادها، دستگاه‌ها و فعالیت‌های دینی کشور در دور باطل انتقال مواد از این برنامه به برنامه دیگر است.

در بخش فرهنگ، برنامه چهارم به مباحثی مهمی چون جهانگردی، ایران‌شناسی و سایر مقوله‌هایی که به نوعی فرهنگ به عنوان کالا مرتبط است به خوبی پرداخته شده، ولی عرصه‌هایی که باید تأمین‌کننده اعتلای فرهنگ و فرهنگ دینی در کشور باشد، مورد غفلت قرار گرفته است و به کلیاتی که هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در پی ندارد، بسنده شده است.

عدم توجه به مقوله نظارت و ارزیابی عملکرد

مقوله نظارت و ارزیابی عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، جزء مقوله‌های بسیار مهم و اساسی است که سازوکار لازم برای آن پیش‌بینی نشده و در واقع مسکوت مانده است. این مقوله در واقع تضمین‌کننده اجرای درست برنامه‌های توسعه است و سازوکاری است که تخلفات و انحرافات از برنامه‌های توسعه را کنترل می‌کند.

۱. استفاده از توانمندی‌های شوراهای اسلامی شهر و روستا در انجام امور دینی و فرهنگی.

۲. اعتلای معرفت دینی و قرآنی و بهره‌گیری از اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تحکیم مبانی فکری ارزش‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ جهاد و شهادت در جامعه، به‌ویژه در جوانان و نوجوانان.



عدم انطباق سیاست‌های بلندمدت با مشکلات و مسائل پیش روی دستگاه‌های دینی بسان برنامه‌های اول تا سوم توسعه، برنامه چهارم به‌خصوص بخش دین و تبلیغات اسلامی با مشکل عدم انطباق سیاست‌های بلندمدت با مشکلات و مسائل پیش‌روی دستگاه‌های دینی روبه‌روست. در واقع نهاد تدوین‌کننده برنامه چهارم توسعه وظیفه این کار را برعهده داشته است. اگر چه در حوزه فرهنگ به‌طور کلی پیشرفت‌های در این زمینه صورت گرفته است، اما مواد قانونی مربوط به حوزه دین و تبلیغات اسلامی، به‌نوعی تکرار سیاست‌های کلان و بلندمدت است. از همین روی اولویت اصلی تهیه‌کنندگان برنامه پنجم توسعه توجه به مشکلات و مسائل پیش‌روی دستگاه‌های فرهنگی و انطباق آنها با سیاست‌های بلندمدت و کلانی است که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سطح میانی و قانون اساسی در سطح کلان، به تصویب رسیده و خطوط راهنمای حرکت فرهنگی کشور را نشان می‌دهند.

پیشنهادهای

۱. نگاه فرانهادی در توسعه فرهنگ دینی، به‌گونه‌ای که مجموعه نظام موظف باشند جهت تحقق فرهنگ اسلامی با توجه به امکانات و ظرفیت‌هایی که در اختیار دارند، تلاش کنند.
۲. آسیب‌شناسی مداوم فرهنگ دینی و تنظیم برنامه‌ها و سیاست‌ها، برای کاهش آسیب‌ها.
۳. تلاش جدی برای حذف موازی کاری در دستگاه‌های دینی.
۴. تلاش در جهت واگذاری بخش از فعالیت‌های دینی به نهادهای مردمی و جلب

مشارکت‌های مردمی،



۵. در سطح کلان آنچه از برنامه‌ریزی در حوزه توسعه فرهنگ دینی انتظار می‌رود، اعتلا بخشیدن به معرفت دینی و قرآنی و تحکیم فکری و علمی ارزش‌های اسلامی و احیای آموزه‌های فکری و دینی امام خمینی (ره) و تنظیم مناسبات و روابط اجتماعی مردم براساس مبانی اسلامی است.
۶. ضرورت توجه به هماهنگی و سامان‌دهی حوزه‌های فعالیت سازمان‌های دینی - تبلیغی،
۷. هماهنگی بین فعالیت‌های فرهنگی، دینی و تبلیغی در سایر بخش‌های اثرگذار بر نهادهای دین و تبلیغات اسلامی،
۸. توجه به مقوله مشارکت بخش‌های غیردولتی مذهبی در امر تبلیغات اسلامی،
۹. بهینه‌سازی فعالیت‌های دینی و تبلیغی،
۱۰. توجه به شرایط منطقه‌ای در برنامه‌ریزی دینی و تبلیغی دولت،
۱۱. تدوین ضوابط نظارت نهادهای مردم‌نهاد بر بخش دین و تبلیغات اسلامی،
۱۲. اعمال اصل رقابت‌پذیری در سطوح اجرای فعالیت‌ها و ارائه خدمات دینی و تبلیغی،
۱۳. سامان‌دهی و هدفمند کردن منابع و مصارف مالی نهادهای دینی - تبلیغی،
۱۴. نظارت مؤثر و کارا بر عملکرد نهادهای دینی - تبلیغی.^۱

منابع و مآخذ

۱. مسجد جامعی، احمد. شاخص‌های فرهنگی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی، اصول سیاست فرهنگی، مبانی، اصول، منبهاات و خط مشی، ۱۳۶۸.
۳. رفیع پور، فرامرز. توسعه و تضاد، تهران، ۱۳۸۰.
۴. اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
۵. پیوست ۲ لایحه برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، سازمان برنامه و بودجه، شهریور ۱۳۷۸.
۶. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹.
۷. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.
۸. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹.
۹. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲.
۱۰. مرادی، علیرضا. مدرنیته و موانع معرفت شناختی دیدگاه‌های طرفدار توسعه در ایران، ۱۳۸۱.
۱۱. لایحه تشکیلات کلان دولت، ۱۳۸۴.
۱۲. طرح سامان‌دهی نهادی تبلیغی، دینی و فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۳. طرح سامان‌دهی امور فرهنگی، ۱۳۸۱.
۱۴. ابوالقاسمی، محمدجواد. فرهنگ دینی و جایگاه آن در برنامه چهارم توسعه، مؤسسه فرهنگی، هنری عرش پژوه، ۱۳۸۲.





شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۰۵۴

عنوان گزارش: آسیب‌شناسی نوع نگاه برنامه چهارم توسعه به مقوله دین و تبلیغات اسلامی

Report Title: A pathology of 4th development program on religion and Islamic development

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه فرهنگ و ارشاد اسلامی)

تهیه و تدوین: سینا کلهر

ناظر علمی: مرتضی شکوهی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: _____

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. دین (Religion)

۲. توسعه (Development)

۳. برنامه‌ریزی (Programming)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۴/۲۴